اخبار

چه کسانی در اولویت اعزام حج ۱۴۰۰ قرار می‌گیرند؟

در نشست امروز شورای برنامه‌ریزی و هماهنگی بعثه مقام معظم رهبری و سازمان حج و زیارت به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین سید عبدالفتاح نواب، نماینده ولی فقیه درامور حج و زیارت اعلام شد: با توجه به اینکه مهلت واریز قسط دوم هزینه حج تمتع آینده پنج روز دیگر تمدید شد، زائران فرصت دارند این مبلغ را تا ۱۹ شهریورماه پرداخت کنند.

وی افزود: واریز دومین مرحله هزینه سفر به سرزمین وحی از روز ۳ شهریورماه آغاز شده است و با توجه به تعطیلات دهه اول محرم و بنا به درخواست زائران و مدیران استان‌ها و کاروان‌ها، افراد می‌توانند این وجه را تا ۱۹ شهریورماه به سامانه رزرو سازمان حج و زیارت واریز کنند.

پرداخت هزینه حج توسط ۸۰ درصد زوار

اکبر رضایی، معاون حج و عمره سازمان حج و زیارت با اشاره به اینکه در مرحله اول ۷۴ هزار و ۹۷۷ زائر واریز وجه داشتند، اظهار داشت: از این تعداد تاکنون حدود هشتاد درصد مرحله دوم هزینه سفر حج تمتع را پرداخت کرده‌اند و به ترتیب زائران استان‌های ایلام و آذربایجان شرقی بالاترین و کمترین درصد واریزی را تاکنون داشته‌اند.

در این جلسه حجت‌الاسلام والمسلمین نواب لزوم اطلاع‌رسانی دقیق و روشن در خصوص دریافت قسط دوم هزینه حج تمتع را یادآور شد و تاکید کرد: زائران باید توجیه شوند که واریز این قسط به صرفه و صلاح شان است تا سازمان حج و زیارت ارز را به قیمت مورد تصویب دولت خریداری کند. همچنین بدانند اجباری در کار نیست و اگر این قسط را پرداخت نکنند در زمان اعزام، باقیمانده هزینه ارزی سفرشان با نرخ روز مورد نظر بانک مرکزی محاسبه واعلام خواهد شد.

در ادامه این جلسه رئیس سازمان حج و زیارت با اشاره به اینکه تاکنون در ۲۳ کاروان کمتر از ۵۰ درصد زائران قسط دوم را واریز کردند، گفت: از مدیران استان‌ها و کاروان‌های مذکور خواسته شده است، زائران را توجیه کنند تا حقوق‌شان حفظ شود.

چه کسانی در اولویت اعزام قرار می‌گیرند؟

معاون حج و عمره سازمان حج و زیارت نیز با اشاره به استقبال زائران از تمدید مهلت واریز قسط دوم افزود: زائرانی که هر دو مرحله هزینه سفر حج تمتع را بپردازند، نسبت به افرادی که قسط اول را پرداختند در اولویت اعزام قرار می‌گیرند.

برپایه این گزارش، وجه حاصل از پرداخت مرحله دوم هزینه سفر زائران برای خرید الباقی ارز مورد نیاز حج تمتع پیش رو به حساب بانک مرکزی واریز خواهد شد. همچنین مقدار و نرخ ارز برای زائرینی که مرحله اول و دوم هزینه سفر خود را واریز کنند، تثبیت می‌شود.

در ادامه این نشست درخصوص برگزاری مراسم گرامیداشت شهدای منا، مکه مکرمه و حج خونین سال ۶۶ در دوم مهرماه با مشارکت بعثه مقام معظم رهبری، سازمان حج و زیارت و بنیاد شهید و امور ایثارگران در بستر فضای مجازی و همکاری رسانه ملی بحث و تبادل بعمل آمد و تصمیماتی اتخاذ شد.

اهانت به قرآن و پیامبر نشان دهنده ناتوانی دشمنان در مقابل منطق اسلام است

در آغاز این جلسه نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت در سخنانی به برگزاری آیین‌های ایام عزاداری سرور و سالار شهیدان حسین بن علی (ع) با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی اشاره کرد و اظهار داشت: با توجه به ادامه شیوع بیماری کرونا، می‌طلبد که در خصوص اربعین حسینی هم برنامه‌ریزی مناسبی با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی صورت گیرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین نواب در ادامه قرآن‌سوزی در سوئد و اهانت به نبی خاتم (ص) در فرانسه را دو امتحان بد برای غرب در هفته گذشته عنوان و آن را نشان دهنده عجز و ناتوانی آنها در مقابل منطق اسلام توصیف کرد و گفت: آنها اگر در برابر اسلام استدلال، منطق و حکمت داشتند به مقابله برمی خواستند، قرآن سوزاندن و توهین به پیامبر رحمت (ص)، تلاش بیهوده و مذبوحانه است.

وی افزود: غرب و سردمداران کشورهای غربی اگر به فکر آبروی خودشان بودند، حتما این لکه ننگ را از خود دور و این کار را تقبیح و محکوم می‌کردند و با افرادی که مذبوحانه به کتاب مبین حق و پیامبر رحمت جسارت و توهین کردند برخورد کرده و شعارها و ادعایشان را به اثبات می‌رساندند.

حجت‌الاسلام والمسلمین نواب تصریح کرد: آنها ادعا می‌کنند، اهل منطق، گفت‌وگو، تفکر و تمدن هستند در حالیکه آنچه اتفاق افتد از همه این مضامین ارزشمند، بری بود.

وی همچنین عادی سازی روابط امارات با رژیم صهیونیستی را بی فایده دانست و گفت: این اقدام برد برای صهیونیست‌ها و باخت برای امارات است و جز ایجاد نا امنی و تنفر از امارات در جهان اسلام فایده دیگری ندارد و دست جنایتکاران صهیونیست را در امارات باز خواهد کرد، جنایتکارانی که خاک فلسطین را از صاحبانش غصب و فلسطینیان را آواره کردند.

حجت‌الاسلام والمسلمین نواب همچنین با گرامیداشت سالروز قیام خونین هفده شهریور، این واقعه را نقطه عطفی در مسیر پیروزی انقلاب اسلامی دانست.

نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت افزود: کشتار ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷ فاصله میان مردم و رژیم را عمیق تر کرد و در مقابل جان تازه‌ای به انقلابیون بخشید و اضمحلال حکومت ستم پیشه شاهنشاهی شدت گرفت.

قهرمان ملی افغانستان؛

از پاسخ رندانه به نماینده کاخ سفید تا انس با حاج قاسم

دو روز به ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مانده بود. هنوز برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی کنار آب‌های آزاد کرانه منهتن روی پای خودشان بودند. هزاران مایل آن طرف‌تر در منطقه جنگ زده تخار دو انتحاری در پوشش خبرنگار به مجاهد دره پنجشیر نزدیک شدند. طولی نکشید که نقشه عملی شد و احمد شاه مسعود مجاهد تراز اول افغانستان به شهادت رسید. بعدها همین سناریوی از پیش تعیین شده را به عنوان یکی از بهانه‌های حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر در نظر گرفتند و طولی نکشید در غیاب مجاهدی چون مسعود، افغانستان به پایگاه منفعل و بی‌دفاع آمریکایی‌ها در منطقه بدل شد.اواسط سال ۱۳۷۶ بود که نام حاج قاسم سلیمانی در جبهه‌های ولایت‌های شمال شرق کابل شنیده شد. فرمانده سپاه قدس اشراف اطلاعاتی دقیقی از ولایت‌های تخار و پنجشیر و بغلان و اندراب داشت. نیروهای قدس به عنوان شاخه برون مرزی سپاه مخلصانه به یاری مجاهدان افغانستانی در کوران جنگ‌های داخلی و مبارزه با طالبان و تروریسم آمد. در همان سال‌ها پیوند برادری و همرزمی میان حاج قاسم و احمد شاه مسعود برقرار شد. مجاهدی که حاج قاسم اعتماد زیادی به نفوذ و اخلاص او داشت و با شهادتش در ۱۸ شهریور سال ۱۳۸۰ می‌دانست که این سرآغازی برای پیشروی تروریسم در افغانستان خواهد بود.روزگار برای دوباره زادن چریک و مجاهدی چون او عقیم به نظر می‌رسد. پیش از این نام احمد شاه مسعود که به حق او را شیر دره پنجشیر می‌نامیدند در لفافه‌ای از انصاف و اظهار نظرهایی از سر احترام و احتیاط به زبان‌ها می‌آمد. نقطه اتکای مادحان و منتقدانش اخلاصی بود که از او در کارزار جهاد و جنگ‌های داخلی نامنظم سراغ داشتند.بی‌حرف نمی‌شد تاثیر و نفوذ حضور او در خط مقدم مقابله با جهل و تروریسم را نادیده گرفت. اما به تازگی جریانی از سوی رسانه‌های آن سوی آب‌ها شکل گرفته تا این قهرمان ملی افغانستان و منطقه دیگر با القابی مثل آمر صاحب، قهرمان ملی و شیر دره پنجشیر یاد نشود.به روشنی پیداست دشمن با مبهم نشان دادن تاثیرات تصمیم‌گیری‌های او در کوران دفاع از ولایت‌های افغانستان و مردم درد کشیده آن مترصد تخریب و مخدوش کردن این الگوی جهاد در منطقه است. همین جاست که دوباره باید از جمله طلایی شهید ابراهیم همت یاد کرد: «آتش جبهه دشمن کدام طرف را نشانه گرفته ؟همان جا را جبهه خودی بدانید ...

جهادی طولانی در ظرف عمری کوتاه

به گواه تاریخ بیشترین سال‌های عمر کوتاه احمد شاه مسعود به جهاد و مبارزه برای دفاع از آزادی افغانستان گذشت. هنوز در رشته مهندسی در دانشگاه کابل درس می‌خواند که دیار و ولایت‌های شمالی افغانستان را اسیر در میان نیروهای مسلح ارتش سرخ شوروی دید. از همان سال‌ها به عنوان مغز متفکر عملیات‌های کوچک چریکی شناخته شد. آرام آرام شروع به شکل دادن دسته‌های کوچک و هدفمند چریکی کرد. نفوذ زیادی در میان مجاهدان جوان داشت. به روشنی در بحبوحه اختلافات داخلی و قومیتی دوست را از دشمن تمیز می‌داد و همین به پیشروی نیروهای اندک اما موثر او در جبهه‌های شمالی کمک می‌کرد. بعد از سه سال مداومت و ایستادگی سرانجام فرمانده قوای روس‌ها بعد از ۶ تهاجم نافرجام به دره پنجشیر اعلام آمادگی برای مذاکره با فرمانده گروه‌های چریکی منطقه کرد. این نخستین بار بود که نیروهای نظامی ارتش سرخ روسیه احمد شاه مسعود را به عنوان یک فرمانده به رسمیت شناختند.

مسعود با دست خالی و بدون نیروهای جوان و فدایی خود به دیدار سران قوای روس رفت و نتیجه این دیدار تعیین آتش بس به مدت دو سال شد. رویدادی که به گمان بسیاری از تحلیلگران سیاسی تبدیل به فرصتی طلایی برای شیر دره پنجشیر شد.

پس از آن با بی‌اعتمادی کامل به نیروهای بیگانه شروع به تقویت و گسترش نیروهای مجاهد افغان کرد. ژنرال گروموف فرمانده سپاه چهلم شوروی در افغانستان بعدها درباره این توافق نوشت: «مسعود از آرامش پدید آمده فعالانه برای رسیدن به اهداف خود سود برد.»

اعتماد احمد شاه مسعود به حاج قاسم سلیمانی

اواسط سال ۱۳۷۶ بود که نام حاج قاسم سلیمانی به عنوان فرمانده سپاه قدس در جبهه ولایت‌های شمال شرق کابل شنیده شد. اشراف اطلاعاتی دقیقی از ولایت‌های تخار و پنجشیر و بغلان و اندراب داشت. نیروهای قدس به عنوان شاخه برون مرزی سپاه مخلصانه به یاری مجاهدان افغانستانی در کوران جنگ‌های داخلی و مبارزه با طالبان و تروریسم آمدند.در همان سال‌ها پیوند برادری و همرزمی میان حاج قاسم و احمد شاه مسعود برقرار شد. مجاهدی که حاج قاسم اعتماد زیادی به نفوذ و اخلاص او داشت و با شهادتش در ۱۸ شهریور سال ۱۳۸۰ می‌دانست که این سرآغازی برای پیشروی تروریسم در افغانستان خواهد بود. احمد شاه مسعود به واسطه هوش سرشار خود در مسائل نظامی و تاکتیکی استراتژی ثابتی نسبت به نیروهای بیگانه داشت. اعتقاد راسخ او این بود که دولت پاکستان با همکاری کشورهای عربی در منطقه و با خط گرفتن از نظام سرمایه‌داری در غرب تربیت کننده نیروهای جاهل و جنگ طلب و تندرویی مانند طالبان هستند. اعتمادی به ظاهر دوستانه آن‌ها نداشت و خستگی ناپذیر در مقابل آن‌ها ایستادگی می کرد.به دلیل بی‌اعتمادی او به نیروهای خارجی گمان بر این می‌رفت که او به همراه دسته‌های سازماندهی شده از مجاهدانش روی خوش به نیروهای ایرانی در سپاه قدس نشان ندهد. اما دیدارهای مکرر او با حاج قاسم ورق این سیاست ورزی او را تغییر داد.

در همین نشست‌ها بود که به یقین رسید نیروهای سپاه قدس قصد مداخله در امور داخلی افغانستان را ندارند. آنها در جبهه مجاهدان علیه طالبان و تروریسم هستند و بعد از مدت کوتاهی حاج قاسم و نیروهای سپاه قدس نه تنها ملجا و پناه او شدند بلکه تاثیر به سزایی در پیروزهای دیگر گروه‌های ملی و مذهبی در افغانستان به جا گذاشتند.

شناخت حاج قاسم کار خود را کرد

در کنار احمد شاه مسعود نیروهای دیگری در جبهه مقابله با تروریست‌ها در افغانستان می‌جنگیدند. در کوران جنگ‌های داخلی و قومیتی افغان‌ها بود که تروریست‌ها فوج فوج به خاک افغانستان وارد شدند. ولایت‌های متعددی به محاصره نیروهای طالبان درآمدند.

میلیون‌ها انسان از خانه خود آواره شدند. نا امنی‌های بی‌پایان از همین هرج و مرج ها پا می گرفت و کشور را به قهقرای ویرانی محض می‌برد. در چنین شرایطی بود که حاج قاسم و نیروهای سپاه قدس به این معرکه وارد شدند. حاج قاسم شناخت دقیقی از نیروهای افغان داشت. به خوبی با سابقه مبارزاتی احمدشاه مسعود، دوستم و اسماعیل خان آشنا بود. حاج قاسم به درستی پاکستان را در جبهه تروریست‌ها می‌دید. در دیدار با احمد شاه مسعود به متحد شدن نیروهای ملی و مذهبی تاکید زیادی داشت.

نصرالله صادق زاده نیلی نماینده سابق ولایت دایکندی در این باره می‌گوید: «در افغانستان نیرویی به عنوان «سپاه محمد» وجود داشت. این سپاه از نیروهایی که سابقه جهاد داشتند و در این کار ورزیده و آموزش دیده بودند تشکیل شده بود. حاج قاسم سلیمانی شناخت بسیار دقیقی از این نیروها داشت. با ورود نیروهای قدس به افغانستان در اوسط دهه ۷۰ بود که نام ایشان را بیشتر می‌شنیدیم.گفته می‌شد که حاج قاسم به سراغ سران این نیروهای چریک و مجاهد عضو در سپاه محمد می‌رفت. بسیاری از آن‌ها سال‌ها بود که جهاد را کنار گذاشته و به کار دیگری مشغول بودند. حاج قاسم و نیروهای ارشد سپاه قدس با اخلاصی که داشتند برادرانه به کمک افغانستان آمدند. به دیدار این افراد زبده نظامی رفتند و وضعیت کشورشان را برای آن‌ها تشریح کردند. به آنها چشم انداز افغانستان اسیر در نیروهای طالبان و تروریسم جهانی را نشان دادند و گفتند اگر به میدان بیایید ما ایرانی‌ها در کنار شما هستیم. خب این یعنی شناختشان از مجاهدین افغانستانی کامل بود. توانمندی‌های آنان را می‌شناختند، مطالعه داشتند و در این راه برنامه ریزی کرده بودند. با حضورشان در افغانستان همه این مجاهدان با سابقه درخشان را از داخل و خارج دور هم جمع کردند. اتحاد این نیرو و قرار گرفتن آن‌ها در کنار جبهه‌ای که مسعود در آن مجاهدت می‌کرد تاثیر زیادی در پیروزی علیه نیروهای القاعده داشت و اگر حضور موثر آن ها نبود چنین پیروزهایی با آن سرعت حاصل نمی شد».

افشاگری در مجامع بین المللی

با پیروزی دولت مجاهدین این احمد شاه مسعود بود که برای دستیابی به صلحی پایدار بدون سپاه و نیروهای خودی برای استقبال از طالبان به میدان شهر رفت. مسعود مترصد رهایی طالبان از وابستگی به نیروهای خارجی بود. به همین دلیل با شفافیت و اخلاص همیشگی خود پای مذاکره با سران طالبان رفت و از آن‌ها خواست به نیروهای مجاهد افغانستانی بپیوندند. اما طالبان با دریافت کمک‌های هنگفت مالی و نظامی از سوی آی اس آی پاکستان و کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس شکل گرفته بود و قطع این وابستگی‌ها به دلیل سودجویی سران آن غیر ممکن به نظر می‌رسید.

مسعود ۱۸ ماه و ۱۲ روز نیروهای طالبان را پشت دروازه‌های پایتخت متوقف کرد. با دانش عمیق نظامی خود علی رغم کمبودهای متعدد در مقابل لشگر ۲۰ هزار نفری طالبان که گرد آمده از سربازان آموزش دیده پاکستانی و کشورهای مسلمان در شمال آفریقا و جنوب شرقی آسیا بودند ایستادگی کرد.

موجی از هراس و وحشت در دل مردم بی‌دفاع ولایت‌های شمال تا جنوب افغانستان بوجود آمده بود. در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ افغانستان شاهد خونریزی‌های وحشیانه این گروه جاهل حمایت شونده از سوی دولت مرکزی پاکستان، کشورهای عربی خلیج فارس و غرب بود.

احمد شاه مسعود از هر فرصتی سود می‌برد تا در مجامع بین المللی سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و ایالت متحده را مجاب به وارد آوردن فشار علیه پاکستان و قطع دخالت و خونریزی‌های این کشور در خاک افغانستان کند. اما پس از مدتی به درستی دریافت که این مجامع خود حمایت کننده طالبان هستند. از آن پس در این مجامع با لحنی افشاگر و هشدار دهنده حاضر شد. تلنگرهایی که به طور شگفت انگیزی یکی بعد از دیگری در پس سال‌های بعد به حقیقت پیوستند.

پاسخ تند مسعود به نماینده کاخ سفید

در سال ۱۹۹۸ و در جریان دیدار رابین رافائل و احمدشاه مسعود رافائل که در آن زمان نماینده وزارت خارجه آمریکا در خاورمیانه بود با وقاحت تمام از احمد شاه مسعود می‌خواهد بعد از یک عمر مجاهدت سلاح خود را در مقابل گروه طالبان که عامل وحشت و خونریزی در افغانستان بودند به زمین بگذارد و تسلیم خواسته‌های آنان شود.

پاسخ تند مسعود برای همیشه به این پیشنهادهای وقیحانه از سوی کاخ سفید پایان داد. در آن زمان ۹۰ درصد از خاک افغانستان در اشغال نیروهای طالبان بود. احمد شاه مسعود با لحنی محکم به رافائل جواب داد نه تنها تسلیم طالبان نمی‌شود بلکه در راه مجاهدت‌های خود از هیچ نیروی خارجی خط نمی‌گیرد.

در ادامه این گفت‌وگو که بی‌تعارف‌های معمول دیپلماتیک پیش می‌رفت رندانه به رافائل نشان داد که دست او و کاخ سفید را تا به آخر خوانده است. بعد از این صحبت‌ها هنگام خروج از جلسه تاکید کرد که تا زمانی که اندک قدرتی هم در دست داشته باشد اجازه تاسیس پایگاه نظامی در خاک افغانستان را به هیچ کشوری از جمله ایالت متحده آمریکا نخواهد داد.

هشدارهایی که به حقیقت پیوست

مسعود در واپسین روزهای عمر خود مدام به سران کشورهای اتحادیه اروپا و ایالت متحده آمریکا هشدار می‌داد که اگر در مقابل پا گرفتن گروه‌های تروریستی در خاک پاکستان ایستادگی و اعمال فشار نکنند این جریان جهل‌گرا به زودی با وحشت پراکنی دامن کشور و مردم آن ها را نیز خواهد کرد.

سرسختی‌های احمد شاه مسعود در مقابله با طالبان و تیره شدن روابط او با غرب و کاخ سفید به مجوز حذف او سرعت بیشتری بخشید. حضور استوار مسعود در مقابله با دست اندازی بیگانگان به خاک افغانستان مغایر با سیاست‌های آن روز ایالت متحده در منطقه بود و به این شکل راه برای تایید ترور و حذف او هموار شد.

در روز ۱۸ شهریور ۱۳۸۰ دو روز مانده به عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر دو مرد در پوشش خبرنگار در منطقه تخار به او نزدیک شدند و بر اثر انفجار انتحاری او را به شهادت رساندند. بعد از این واقعه به او لقب قهرمان ملی دادند و روز شهادتش را با نام روز شهید گرامی داشتند. حالا اما پس از سال‌ها دوباره نام او و با ابهام‌ها و تمرکز بر اشتباهات سهوی او و در تصمیم‌گیری دوباره بر سر زبان‌ها افتاده است.

رسانه‌های جریان اصلی با ساختن برنامه‌هایی بی سر و ته و شلخته نیم ساعته می‌خواهند نسخه برای مجاهدی بپیچند که عمری در پی جستن راهی برای مردم بی راه مانده‌اش بود. مجاهدی که قلبش برای صلح در سینه می‌کوبید. همواره آتش جهاد در دلش تنوره می‌کشید و هیچگاه در اوج قدرت نیز آلوده به دنیا خواهی نشد.

درنگ در کار مسعود بی‌معنا بود. خودش را از باغ نعمت به چاه زحمت انداخت تا همتای مردم ستم دیده سرزمین اشغال شده اش باشد. حالا روا نیست با جهل به سراغ بازخوانی سابقه جهاد چریکی برویم که جز آزادی وطن و مبارزه با جهل تعلق دیگری نداشت و سرآخر نیز کشته همین جهل شد. احمد شاه مسعود را باید با دیدی باز به آنچه بر او و مجاهدان افغان گذشته مطالعه کنیم در نقد او دل به دل دشمن سال‌های مجاهدتش ندهیم.

اخبار

جغوربغور هم ثبت شد

ثبت ملی ۴۷میراث‌فرهنگی ناملموس

مصطفی پورعلی در جلسه شورای ملی ثبت میراث‌فرهنگی ناملموس که به ریاست معاون میراث‌فرهنگی کشور برگزار شد، گفت: «از استان فارس مهارت پخت نان فسایی (کلوچه فسایی)، مراسم شاهنامه‌خوانی در روستای دژکرد و چرکس، مهارت پخت سنتی حلوای ماجون در شهر لامرد، مراسم حنابندان، مهارت پخت آش سبزی شیرازی، خرمن کوبی سنتی و ترانه‌های مربوط به آن در روستای گاوبست شهرستان لار، برات پزون، مراسم و مهارت تهیه نان براتی شمال فارس، پوشش سنتی زنان و مردان ایزد خواست، مهارت تهیه حلوا کاسه در شهر شیراز و عملکرد فرهنگی آن، مهارت سنتی تهیه آلوی بخارا در شهرستان بوانات، مهارت سنتی پخت نان‌های تابه‌ای شهرستان داراب به‌عنوان میراث‌فرهنگی ناملموس ثبت ملی شد.»

ثبت ملی مهارت پخت غذای کوهلی از استان سیستان و بلوچستان

او افزود: «میراث‌فرهنگی ناملموس روش ساخت مشک آب، شیوه ساخت جاروی محلی سیستان (جوری)، مهارت پخت غذای کشک زرد سیستان، مهارت پخت هتوک؛ کله‌جوش، مهارت پخت آبگوشت مرغ محلی، مهارت پخت غذای کوهلی، مهارت پخت آچار بلوچی، مهارت تهیه غذای کشک بلوچی از استان سیستان و بلوچستان در فهرست آثار ملی کشور ثبت ملی شد.»

ثبت ملی فنون و مهارت کردی دوزی

پورعلی تصریح کرد: «از استان خراسان شمالی فنون و مهارت کردی‌دوزی، آئین یغغه اوخوماق (مرثیه‌خوانی)، پوشش محلی ترک‌های خراسان شمالی، فنون و مهارت نوغان‌داری، ابریشم‌کشی و ابریشم‌تابی، آئین کتاب‌خوانی (مقتل‌خوانی) شهر گرمه، آئین منادی خوانی (مندی‌خوانی) روستای روئین و مهارت پخت نان (چابادی-چپاتی) در شهرستان رازوجرگلان و آئین کشتی سنتی گورش به شکل منطقه‌ای (خراسان شمالی و گلستان) به‌عنوان میراث‌فرهنگی ناملموس ثبت ملی شد.»

جغوربغور استان زنجان ثبت ملی شد

او در ادامه گفت: «از استان زنجان استاد خانم نساء امینی، گنجینه زنده بشری در تنورسازی و سفالگری سنتی، بازی آرادان گشدی، مهارت پخت غذای سنتی جغوربغور، مهارت سنتی صندوق‌سازی (یخدان‌سازی)، مهارت پخت اوماج آشی، مهارت پخت فسنجان محلی طارم، مهارت پخت غذای سرن و شیوه رشته‌بری سنتی به پیشنهاد استان زنجان ثبت ملی شد.»

ثبت ملی بازی تاقیله بسر استان کردستان

مدیرکل دفتر ثبت آثار افزود: «از استان کردستان بازی چه مه قوجایلی، شیوه تهیه بلغور (ولوش)، مهارت ساخت برچاویلکه اسب (مگس پران)، شیوه ساخت گیز گیزه، شیوه تهیه غذای سلیمالی، بازی تاقیله بسر، مهارت در ساخت وندی و شیوه ساخت یغان در فهرست میراث ناملموس کشور ثبت ملی شد.»

ثبت ملی استاد غلام‌حسین محمودی، گنجینه زنده بشری در پالان‌دوزی از استان گلستان

او تصریح کرد: «مهارت ساخت سیاه‌رودبار و کارکردهای فرهنگی آن، فن و مهارت پالان‌دوزی در استان گلستان، فن و مهارت ساخت لاری در قوم ترکمن (در خطر)، استاد غلامحسین محمودی، گنجینه زنده بشری در پالان‌دوزی از استان گلستان به‌عنوان میراث‌فرهنگی ناملموس در فهرست آثار ملی ثبت شد.»

ناشران زیادی ورشکست شدند

پس از گفتگو با مدیران انتشارات نگاه، انتشارات افراز، بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه و انتشارات شباهنگ، در ادامه پی‌گیری پرونده «کاغذ یارانه‌ای و نبودش» سراغ علی جعفریه مدیر انتشارات ثالث رفتیم و درباره موضوع پرونده گفتگو کردیم.

جعفریه می‌گوید در حال حاضر ۹۰ درصد کتاب‌هایی که توسط ناشران عمومی کشور چاپ می‌شوند، با کاغذ دولتی و به‌عبارتی با همان ارز ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی چاپ می‌شوند. او حساب این‌کتاب را از کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی جدا می‌کند چون معتقد است ناشران عمومی نمی‌توانند مانند ناشران آموزشی و کمک‌آموزشی قیمت کتاب‌ها را افزایش دهند. این‌مدیر نشر می‌گوید ناشران عمومی تا این‌مقطع با تدابیر مختلف تلاش کرده‌اند قیمت کتاب بالا نرود تا مردم بتوانند همچنان به خرید کتاب ادامه دهند.

وی در گفتگویی که پنجمین قسمت پرونده بررسی کاغذ دولتی و نبودش داشتیم، گفت: در حال حاضر ناشرانِ مشغولِ کار، با همان کاغذ دولتی کتاب چاپ می‌کنند. یعنی به‌طور میانگین، کاغذی که تهیه می‌کنند، بندی ۱۴۰ تا ۱۵۰ هزار تومان قیمت دارد. همین‌الان کاغذِ بیرون یا کاغذ آزاد، بندی ۴۰۰ هزار تومان است. در این‌جای بحث، کاری به قیمت‌گذاری کتاب ندارم و می‌خواهم از منظر نقدینگی ناشران صحبت کنم چون در کار نشر، بیشترین چیزی که نمود دارد و ناشران با آن دست به گریبان هستند، مساله نقدینگی است؛ یعنی هزینه تولید یک‌کتاب را پرداخت می‌کنند؛ چه هزینه کاغذ، چه صحافی، چه چاپخانه و حتی پیش‌پرداختی که به مولف یا مترجم می‌دهند. حالا با در نظر داشتن موضوع نقدینگی، به این‌مساله توجه کنید که کتابی که ناشر چاپ می‌کند، یا در انبار خودش یا انبار توزیع‌کننده می‌ماند و رسوب می‌کند.

مدیر انتشارات ثالث ادامه داد: این از کتاب‌هایی که فروش نمی‌روند یا دیر به فروش می‌روند. اما کتابی هم که با وجود همه این‌شرایط فروش می‌رود، در کمترین و خوش‌بینانه‌ترین حالت که قرار است هزینه نقدینگی‌اش را به ناشر برگرداند، ۱۰ ماه زمان می‌خواهد. یعنی بهترین حالت فروش کتاب این است که پولش با یک چک ده‌ماهه برگردد. این چک از کتابفروشی به توزیع‌کننده داده می‌شود و توزیع‌کننده هم آن را به ناشر می‌دهد. با محاسباتی که داشته‌ام، متوجه شدم سود ناشر از کل این‌فرایند ده‌ماهه، تقریبا بین ۷ تا ۹ درصد است. خب، اگر هزینه آن‌ده‌ماه یا خواب سرمایه ناشر را حساب کنید، او ضرر می‌دهد. برای همین هم هست که صنعت نشر تقریبا ورشکسته است و بسیاری از ناشران از دور خارج شده‌اند. دلیلش این است که هزینه‌ای که می‌کنند با سودشان تناسب ندارد. اگر یک‌حساب سرانگشتی و کوتاه داشته باشیم، در زمینه خواب سرمایه و برگشت پول، مثلا اگر ناشی در طول سال، یک‌میلیاردتومان سرمایه‌گذاری و ۹ درصد سود کند، میزان سودش می‌شود ۹۰ میلیون تومان. خب اگر سرمایه اولیه‌اش را در بانک بگذارد، بانک به او ۱۸ درصد سود می‌دهد. یعنی بدون این‌که خودش کاری کند، می‌تواند سود بیشتری از چاپ کتاب به دست بیاورد.

جعفریه گفت: پاسخ این‌سوال شما که می‌پرسید چرا برخی ناشران هنوز با وضعیت مورد اشاره دارند کار می‌کنند، این است که هرناشری، برای خودش تشکیلات، علائق و پرسنلی دارد و باید کار کند. یعنی یک تشکیلات و شرکت دارد که باید چرخش را بگرداند. از طرف دیگر علاقه‌اش کار کتاب و نشر است و می‌خواهد به علاقه‌اش پاسخ بدهد و از طرف دیگر، پرسنلی دارد که باید هزینه و دستمزدشان را بپردازد. آن‌دسته از ناشرانی هم که این‌سه‌شرط را نداشتند، عطای کار را به لقایش بخشیدند و کنار رفتند. عده‌ای هم با وجود این‌شرایط، ناچار شدند تعطیل کنند.

وی در بخش دیگری از گفتگو گفت: یکی از هزینه‌های عمده تولید کتاب، هزینه کاغذ است. وقتی ناشری در طول سال، ۵ هزار برگ کاغذ مصرف می‌کند، یعنی با احتساب کاغذ دولتی، در طول سال ۷۵۰ میلیون تومان هزینه کاغذ دارد که خب هزینه کمی نیست اما بالاخره وقتی ناشران پرکار که ۵ هزار برگ کاغذ را در طول سال تبدیل به کتاب می‌کنند، می‌توانند با وام یا راه‌حل‌های دیگر، پول تهیه کرده و کاغذ بخرند. اما دقت کنیم که بحث‌مان مربوط به زمانی است که قیمت کاغذ با ارز ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی محاسبه شود. اگر این‌ارز را برداشتیم، دیگر کاغذ آزاد یا همان کاغذ بیرون، ۴۰۰ هزار تومان نمی‌ماند و قیمتش به بندی ۶۰۰ هزار تومان می‌رسد. چون در حال حاضر همین ارز و کاغذ ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی است که قیمت کاغذ آزاد را پایین نگه داشته است. تصور کنیم قیمت کاغذ آزاد به بندی ۶۰۰ هزار تومان برسد، این‌یعنی آن هزینه کاغذ سالانه ناشر به ۳ میلیارد تومان می‌رسد که تحمل چنین‌وضعیتی برای ۹۰ تا ۹۵ درصد ناشران ما محال است.

این‌ناشر درباره تبعات ناشی از رسیدن قیمت کاغذ آزاد به ۶۰۰ هزار تومان گفت: آن‌وقت تیراژ کتاب به‌شدت افت می‌کند و بسیاری از ناشران از دور خارج می‌شوند. ناشری هم که بخواهد با کاغذ آزاد کار کند، درگیر فساد اقتصادی می‌شود. چون مجبور است کاغذ را به‌طور مدت‌دار از کاغذفروش بخرد و قید مدت، یعنی آمدن بهره روی قیمت. همین الان هم کاغذفروش دارد ماهانه ۵ تا ۶ درصد روی قیمت می‌گذارد. به این‌ترتیب وقتی یک‌ناشر بخواهد کاغذ ۵ ماهه بخرد، باید ۸۰۰ هزار تومان بپردازد. چنین‌خریدی را می‌توان در شرایط فعلی، یک خرید سالم دانست. چندسال پیش که قیمت‌ها این‌گونه افزایش پیدا نکرده بود، چندناشر به‌دلیل همین‌مسائل ورشکست شده و حتی کارشان به زندان هم کشید. خلاصه کلام این است که عمده سود را این‌میان، کاغذفروش‌ها بردند.

جعفریه گفت: بزرگ‌ترین مشکلی که وجود دارد و از نظرها پنهان مانده، درگیرشدن ناشران با مساله فساد اقتصادی است. در حال حاضر سالم‌ترین راه برای خرید کاغذ، گرفتن وام از بانک است. اگر قیمت کاغذ به بندی ۸۰۰ هزار تومان برسد، دیگر کتابی چاپ نمی‌شود. چون مشکل نقدینگی، حرف اول و آخر را در این‌صنف می‌زند و چنان‌قیمتی برای کاغذ می‌تواند کل کار را بخواباند. در نتیجه صنایع دیگری هم که وابسته به این‌صنف هستند، تعطیل می‌شوند؛ مثل چاپخانه‌دارها، لیتوگراف‌ها، صحاف‌ها و حتی کاغذفروش‌ها. بله سودی که کاغذفروش‌ها از این‌وضعیت می‌برند، کوتاه‌مدت است اما آن‌ها در درازمدت به مشکل برخواهند خورد.

وی گفت: برای ناشران آموزشی و کمک‌آموزشی تفاوتی نمی‌کند قیمت کاغذ چه‌قدر باشد چون می‌توانند قیمت محصولاتشان را افزایش بدهند. همین الان هم قیمت کتاب بالاست و وسع مردم به خریدش نمی‌رسد اما ناشران عمومی از اندوخته خود می‌گذارند تا قیمت‌ها بالا نرود و مردم بتوانند کتاب بخرند. در همین‌وضع قیمت کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی سر به فلک می‌زند. ما ناشران عمومی اما نمی‌توانیم این‌کار را بکنیم. بنابراین، دولت باید صددرصد وضعیت کاغذِ با ارز ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی را تثبیت کند. یعنی وضعیت در سال ۱۴۰۰ هم باید همین‌گونه بماند تا چرخ نشر بچرخد. البته هنوز بودجه فرهنگ سال ۹۹ را نداده‌اند اما یک‌نکته مهم این‌میان وجود دارد که باید مطرحش کنیم. این‌نکته را هم در قالب یک‌مثال مطرح می‌کنم.

در سال‌های جنگ جهانی دوم، یکی از کالاهایی که در فرانسه به‌صورت یارانه‌ای یا اصطلاحا کُوپُنی ارائه می‌شد، رنگ و روغن نقاشان بود. یعنی مساله هنر تا این‌حد برایشان اهمیت داشته است. خب ما هم اگر ادعای فرهنگ و هنر داریم و می‌خواهیم صنعت نشرمان سرپا بماند، در شرایط فعلی نیازمند توجه و حمایت دولت هستیم و به‌نظرم دولت صد درصد باید این‌مساله را لحاظ کند. چون در حال حاضر بیش از ۹۰ درصد کار بازار نشر و عرضه کتاب با کاغذ دولتی و یارانه‌ای انجام می‌شود.

مدیر انتشارات ثالث در پاسخ به این‌سوال که چرا شایعه بالا رفتن قیمت کاغذ و نجومی‌شدنش مطرح شده، گفت: متاسفانه وقتی کارِ کارشناسی نباشد، گروهی می‌گویند کاغذ دولتی نباید باشد. گروهی می‌گویند کاغذ دولتی فساد می‌آورد و حرف‌هایی از این‌دست مطرح می‌شود. در صورتی که می‌توانم به شما بگویم در حال حاضر، ۹۰ درصد همین کاغذهای دولتی که با ارز ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی تهیه شده و در اختیار ناشران قرار گرفته‌اند، به‌صورت سالم توزیع می‌شوند و در نهایت هم در قالب کتاب در دستان مخاطب قرار می‌گیرند. ممکن است ۱۰ درصد تخلف یا انحراف وجود داشته باشد اما الان، کاغذهای دولتی به دست ناشرانی می‌رسد که می‌خواهند واقعا کتاب چاپ کنند و با همین‌کاغذها مشغول به کارند. در همین‌شرایط هم می‌بینید که کتاب‌های خوب و ارزشمندی چاپ می‌شود که مخاطب دارند و مردم خواهانشان هستند. اما خب، این‌شرایط مربوط به زمانی است که وضعیت، همین‌گونه ثابت بماند و دولت کاغذ یارانه‌ای را در اختیار ناشران قرار دهد. به حرف پیشین‌ام برمی‌گردم که برخی از ناشران متاسفانه درگیر کاغذ مدت‌دار شدند و مسائلی مثل بهره اذیت‌شان کرد. حتی برخی از آن‌ها به‌این‌خاطر زندان رفتند و سختی‌هایی را متحمل شدند.